

کل محمدی نامزد بهترین مربی غرب آسیا شد

ورزش: سبایت کنفدراسیون فوتبال آسیا امروز یک نظرسنجی به راه انداخت تا بهترین مربی لیگ قهرمانان آسیا ۲۰۲۰ در منطقه غرب انتخاب کند.
یحیی گل محمدی، سرمربی پرسپولیس که موفق شد این تیم را به فینال لیگ قهرمانان آسیا ۲۰۲۰ برساند در میان چهار نامزد کسب این عنوان قرار گرفت. روی ویتوریا، سرمربی النصر، ولادان میلویچ، سرمربی الاهلی و دوترا اودوتزه، سرمربی پاختاکور رقابتی گل‌محمدی در این نظرسنجی هستند.

مهلث یک هفته‌ای

برای پرسپولیسی شدن سلیمیی

ورزش: پرسپولیس بابی ماگنرو با سلیمی باز کرده و به این بازیکن مهلتی یک هفته‌ای برای انجام امور مربوط به مشکلات قراردادش با باشگاه سابقش را داده است. سلیمی مدتی متعلق ترافیک کادر فنی به قرار دادی سه ساله با این باشگاه داشته، در شرایطی که یک فصل به پایان قراردانش باقی مانده بود. آن را فسخ کرده است. سلیمی با پرداخت مبلغ مربوط به فسخ قرارداد، با سود بردن از آند زاسلاری و حضور در تیم خارجی از این باشگاه جدا شده است. این حال بعد از مدت باشگاه زاکتور مجوز حضور در تیم پرسپولیس را بدهد و باید دید سلیمی قرار خواهد بود شرایط برای این انتقال را فراهم سازد یا خیر.

سرمربی شجاع خلیل‌زاده استعفا کرد

ورزش: در حالی که تنها پنج هفته از شروع فصل ۲۰۲۱-۲۰۲۰ لیگ ستارگان قطر سپری شده، دیگو ویسنته اگیو، سرمربی تیم اتریان قطر که شجاع خلیل‌زاده در آن عضویت دارد، از سمت خود استعفا کرد. رفتن این سرمربی ۵۵ ساله، روکنه‌ای به‌خاطر همه‌گیری ویروس کرونا و شرایطی که برای خانواده او وجود دارد احتمالاً کار را برای شجاع سخت کند، چون معلوم نیست سرمربی بعدی اعتقادی به بازی او داشته باشد.

۵۰۰ تماس غیربهداشتی با منصوریان!

ورزش: یکی از اتفاقات خنده‌ای که در چند روز اخیر برای منصوریان رخ داد، مربوط به نعلپاشی است که در کنفرانس خبری، به هواداران تراکتور ایران در علاقه کرد و در این باره توضیح می‌دهد. من چون سابقه حضور در کنفرانس در دوران کرونا را نداشتم، اصداً حواسم نبود و دستم را به جام مالیدم و بعد به هواداران اتر علاقه کردم. از طرف خانواده خودم و همسر و مادر من تحت فشار بودم و فکر کنم ۵۰۰ تماس یک روز به خاطر این اشتباه داشتم. پروتکل را رعایت نکردم و برعکاسی هم عمل کردم و از همه کسانی که آن را دیدند عذرخواهی می‌کنم.

واکنش باشگاه استقلال

به درخواست غرامت پادوانی

ورزش: لوتسولد پادوانی، مغلف برزیلی به خاطر بازی در استقلال سلاطنتی خود را از دست داد و شاید می‌شد با تعدیل بیشتر مشکل او را حل کرد، اما به هر حال و با نادخوری از ایران رفت و حالا وکیلش صحبت از ۹ میلیون دلار می‌کند و پرونده را به جریان انداخته تا حق و حقوقش موکلش را بگیرد. این اتفاق در حالی افتاده که طلب پادوانی از استقلال بسیار پایین‌تر بود اما حالا او درخواست بسیار بالایی داده و فدراسیون جهانی فوتبال باید در این خصوص تصمیم‌گیری کند. احمد مددی، سرپرست مدیرعاملی استقلال در این باره عنوان کرد: طلب بازیکن از استقلال ۱۰۰ هزار دلار بوده، اما این بازیکن به دادگاه CAS درخواست نجومی ۹ میلیون یورو را داده که مورد تأیید باشگاه نیست.

سر آسیایی: تیم رحمتی تشنه تارت است

ورزش: جنتینی، سرآسیایی که در حال جدید مدوسون تیم مانده درباره تفاوت فوتبال شاهرخ‌پور با رحمتی و فوتبالی که این تیم با یحیی گل‌محمدی ارائه می‌کرد را این‌طور توضیح داده: هر دو تیم با روش چهارچهارو بازی می‌کنند. من دوران حضور یحیی گل‌محمدی شاهرخ‌پور با تکیه بر پاس زیاد و گزشتن توپ بین خطوط بازی تیم را چشمو‌ناز کرده بودم، ضمن اینکه بازی تیم رحمتی هم بر پایه بازی‌سازی است، اما من سه آن حوصله نگذشتم. شاهرخ‌پور با رحمتی دنبال موقعیت‌ساختن بیشتر است و ارسلان‌ها بازی بلند، باز در عمق و استفاده از توپ‌های برگشتی و توپ‌سود در کار این تیم یک اتفاق جدید است که مشخصاً روی آن کار شده است.

خبری از پرداخت طلب کادر فنی تیم ملی

فوتسال نیست

ورزش: فدراسیون فوتبال که با انبوهی از بدهی‌ها روبرو است همچنان در پرداخت تعاقبات کار فنی تیم ملی فوتبال ناتوان است. تصور می‌شود پس از جدایی هاشترزاده از تیم ملی فدراسیون و کمیته فوتسال به صورت افتاده و بخشی از مطالبات مربیان تیم ملی از پرداخت این تیم به این اتفاق نرفته‌اند و توقیع مطالبات فوتسال فرجه‌ای آسیا و تعلیلی اردوهای تیم ملی هم به ریزد علت شد تا فدراسیون همچنان برنامه‌ای برای پرداخت مدوسون مربیان تیم ملی فوتبال نداشته باشد.

طاهر خانی و شکاری فسخ نکردند

ورزش: فریزر محمودزاده، مسئول نقل‌وانتقالات سازمان لیگ در گفت‌وگویی تلویزیونی اعلام کرد که تاکنون شهابین طاهر‌خانی و رضا شکاری هیچ‌گونه برهه فسخ قراردادی را به هم سازمان لیگ نداشته‌اند. محمودزاده در مورد فسخ قرارداد شهابین طاهر‌خانی با باشگاه استقلال گفت: ایشان به صورت یکطرفه فسخ نگردانده، به عنوان نمونه، در سامانه مطرح شد که آقای شکاری بازیکن تراکتورسازی قراردادش را فسخ کرده و حتی منجر به صدور بایگنامه شد در حالی که این بازیکن در سازمان لیگ فسخ یکطرفه‌ای نداشته است.

رضایت‌نامه فرجی ۲ میلیاردی هم خورا!

ورزش: رضایت‌نامه فرشاد فرجی، مغلف مسعود، مغلف مسعود نوحی گل‌محمدی چیزی حدود ۲ میلیارد تومان برای فرموزها هزینه خواهد داشت. این در حالی است که امپلیون فضا ۱ میلیون شگرو می‌گوید در حساب باشگاه پرسپولیسی فضا ۱ میلیون تومان پول هست و شیده می‌شود رضایت‌نامه فرشاد فرجی چیزی حدود ۲ میلیارد تومان برای فرموزها ب می‌خورد.

پیام مهدی مهدوی کیا برای دیگو مارادونا

ورزش: ستاره‌های بزرگ فوتبال دنیا برای مارادونا که به‌عنوان یکی از بشت سر گذشت‌ه پیام گذاشتند و به او روحیه دادند از طرف طرف آریا مهدی مهدوی کیا خطاب به او گفت: «فوتبال‌دوسان ایرانی همگی عاشق شما هستند و برای سلامتی شما دعا می‌کنند». ستاره‌های چون روبرتو کارلوس، رینان، دلیپرو، زاولی، کوماه و پیام‌رومیخونک گذاشتند. مارادونا هفته پیشی برای خارج کردن یک لخته خونی در معشترش زیر تیغ جراحان رفت و پس از آن پزشکشنک اعلام کرد که او بهبودی سختی دارد. اکنون اما ظاهر رها بهبودی‌اش خوب است.

کادر فنی موافقت کند به پرسپولیس می‌روم

یکی از دوستانتهم گفته بودم که گل می‌زنم و این اتفاق هم رخ داد این دو گل را هم به دخرتم تقدیم می‌کنم که همیشه او از اتری می‌گرم.

به آقای فکر می‌کنی؟

هر مباحثی دوستت دارد آقای گل شود. ترجیح می‌دهم او حالا با این موضوع خودم را درگیر نکند و بازی به بازی جلو بروم

در خصوص پیروزی برابر ماشین‌سازی چه صحبتی داری؟

ما بازی را خوب شروع کردیم و زود به گل رسیدیم، البته در طول ۹۰ دقیقه فرصت‌های خوبی را داشتیم. هم از دست دادیم و می‌توانستیم گل‌های بیشتری به درختیم بزنیم. خوشحالم که در نخستین بازی یک نتیجه خوب گرفتیم، ولی جای هیلادارن در ورزشگاه خالی بود.

فکر می‌کنی در چنین عملکرد برتر چنین عملکرد داشتی؟

بله، من مست‌طور است. با اگر با شاهرخ‌پور قرارداد نداشتم، بسری این فصل قرارداد امضا می‌کردم که در انحاط مالی من هم این خبر را از طریق رسانه‌ها منوجه شد، ولی نا می‌توانستم به سودم می‌شد. به هر حال قسمت نبود چاه شوم.

جنتما‌نی‌انی که رسانه‌ها اخیر از تمایل پرسپولیس برای جودن او را داده‌اند و در نهایت در لیستت یحیی گل‌محمدی‌هستی؟

من هم این خبر را از طریق رسانه‌ها منوجه شد، ولی نا می‌توانستم به سودم می‌شد. به هر حال قسمت نبود چاه شوم.

دوست داری به پرسپولیس بروی؟

بازی در پرسپولیس برای من بازیکنی افتخار است، ولی این موضوع دست من نیست چون با شاهرخ‌پور قرارداد دارم. باید دید اگر چنین پیشنهادی به باشگاه پرسد، مسئولان و کادر فنی تصمیم می‌گیرند.

مهر آدمیناوند

پس از پایان بازی شاهرخ‌پور و ماشین‌ساز، بیناوا سرمربی تیم تیرپس در مورد دلای و دخالت‌هایی که ایفاگر کرد در جلسه‌ای با بازیکنان انجام می‌دهد و البته فساد در فوتبال ایران را ز که جنجال به پا کرد. حال مهراد حبیوند در استوری به حمایت از بیناوا آمده و نوشته است: «این حرف‌ها جنجالی نیست. این حرف‌ها حقیقت فوتبال ایران»ه. او البته با ابوجهی بازی و هشتگ دلال اعتراضی خود را به دلایلم نشان داده است. گفتنی است این فصل در مورد دخالت دلال‌ها در چندین تیم حرف‌های زیادی مطرح است.

امشب ساعت ۲۰:۳۰

ایران – بوسنی: جدی ترین دوستانه

ورزش: تیم ملی ایران روز پنجشنبه در یک بازی دوستانه به مصاف تیم ملی بوسنی می‌رود؛ تیمی که تاکنون ۶ بار با آن روبرو شده و چهار پیروزی مغالشی‌بدست آورده است. در میان تیم‌های اروپایی بوسنی یکی از حریفان پرکارتر ایران بوده است. آخرین بازی تیم ملی ایران با بوسنی در جام جهانی ۲۰۱۴ برگزار شد که ایران با نتیجه ۳-۱ ترک‌بار بازی را به حریفش واگذار کرد، درضا فوجان‌زاد برای ایران و ادین زگو، میرام پیاچچ و اوادیا ورساویچ به گل بوسنی را زدند، اما این تنها و اولین در تیم بوسنی در بازی‌های روبرو برابر ایران بوده است. آخرین بار که دو تیم در یک بازی بوسنی به مصاف هم رفتند ایران با نتیجه ۳-۲ بر بوسنی را شکست داد. در این بازی ادین زگو هر دو گل بوسنی را به ثمر رساند و مسعود شجاعی، فرشاد فرجی و دیناوالدین هم گل‌های ایران را زدند. آنتین فطی در این مسافله هدایت تیم ملی ایران را به دست خواهد. تیم ملی بوسنی در جام حاضر در رتینگینگ فیفا در رده پنجاه و یکم قرار دارد.

این تیم در آخرین بازی‌اش در لیگ ملت‌ها مقابل لهستان با نتیجه ۳-۲ بر سر باخت. این تیم که ستاره‌های چون دین زگو و میرام پیاچچ را دارد در بازی بعدی‌اش در لیگ ملت‌ها اروپا باید به مصاف هلند برود. تیم ملی ایران نیز در آخرین بازی‌اش برابر ایرکستان که یک دیدار دوستانه بود توانست با دو گل سردار آزمون و مهدی طرایی حریفش را شکست دهد.

اسکوچیچ و اندیشه‌های نو

وضعیت نیمکت دو تیم ایران و بوسنی نیز تفاوت‌هایی دارد.

تیم قطبی به دسته پایین‌تر سقوط کرد

ورزش: شهبازگل‌گل‌گوربات با قطبی به دسته پایین‌تر سقوط کرد؛ بازی یلی اف بازمدهم و شازهمهی سپهر لیگ جین بین دو تیم شهبازگل‌گل‌گوربات و ووه‌زایل برگزار شد و وهان با نتیجه ۲-۰ برکن برود. با توجه به تساوی بدون گل بازی، هشت شهبازوگلک تحت هدایت آنتین فطی با این شکست شکلی و حضور در رده شازهمه در لیگ ملی‌پوش ایرانی چهار ماه جریمه‌خود را تسریر کرد و آخرین رتبه لیگ گرفت که در فصل عادی در رده ششم رتبه هشت تیم B قرار گرفته بود. اوربات با هدایت فطی در همین فصل و پس از سه سال حضور در سطح پایین‌تر به سوپرلیگ بازگشته بود.

بدهی سرسام آور آبی‌ها بزرگ‌ترین مانع واگذاری است

سبقت پرسپولیس از استقلال در ورود به بورس



مسئله واگذاری

افکار عمومی در قبال این حقیقت واکنشی منفی شدیدتی نشان می‌دهند و معتقدند این دو باشگاه واقتی که به بخش خصوصی واگذار نشوند با مشکلاتی از این دست روبرو هستند. اما حقیقتی که تاکنون برای افکار عمومی روشن نشده این است که این دو باشگاه در وضعیت کنونی به دلیل مشکلات اقتصادی و بدهی‌های باشگاه فوتبال واگذاری را نیز ندارند. البته وضعیت واگذاری پرسپولیس به مراتب نسبت به استقلال بهتر است، چون این باشگاه مغلفش به دریافت پادش راهایی به بندار پایانی لیگ قهرمانان است.

این مسئله می‌تواند به عنوان ارزش افزوده این باشگاه به حساب بایلد ولی وضعیت استقلال به شکل نامیدکننده است.

اوضاع بهتر سرخ‌ها

نحوه واگذاری به این صورت است که در ابتدا ۱۰ درصد سهام عرضه اولیه خواهد شد تا کشف قیمت شود. ۵ درصد بقیه سهام را پرسپولیس برای هر بازیکنی خواهد بود. این قیمت پس از اینکه سیر صعودی و نزولی طی می‌کرد، در یک نقطه می‌ایستد. این نقطه قیمتی هم هر باشگاه را نشان خواهد داد.

مسئله وارتل ورزش و جوانان بر این ابوند که پرسپولیس زودتر از استقلال به بخش خصوصی واگذار خواهد شد، چون

سامان قدوس از ورشکستگی گریخت

ورزش: دادگاه CAS اعلام کرد سامان قدوس و باشگاه اوستریشوند از پرداخت جریمه ۴ میلیون یورو معاف شدند. سال گذشته یوفا اعلام کرد سامان قدوس و باشگاه سوئدی اوستریشوند به دلیل تخلف باوجود توقیف با باشگاه هوسکا و انتقال این بازیکن ۲ میلیون یورو جریمه شدند. اما CAS این حکم را لغو کرده است. البته ملی‌پوش ایرانی چهار ماه جریمه‌خود را تسریر کرد و جریمه نیز تأیید شده است. همچنین محرومیت اوستریشوند از شرکت در دو پنجره نقل و انتقالاتی همچنان جاریست و در واقع جریمه مالی این طرف مجادله بخشیده شده است.

ادعای عجیب نایب رئیس فدراسیون

در حال حاضر ملی‌پوش ووشو نداریم!

ورودی‌ها رو

وی درباره هیچ تیمی نیست و ووشوکاران برای ملی‌پوش شدن باید در مسابقه انتخابی، خود را به تیم ملی برسانند. حسین لوچانی با اشاره به اینکه در این شرایط ووشوکارای جزو ترک ثبت ثابت تیم ملی نیست، عنوان کرد و فرهنگ و شرایطی که تیم ملی ما دارد، است آن‌ها ادامه حضور در بازی‌های المپیک توکیو شوند. با وجود بیماری کرونا، ولی زاین مدعی اعلام کرده است، که این بازی‌ها را برگزار می‌کند و بر همین اساس ملی‌پوشان رشته‌های المپیک در اردو هستند. اما رشته ووشو به دلیل اینکه مسابقات جام جهانی و آسیایی ا اطلاع نلوی به وجود افتاده و هنوز هم زمان برگزاری‌اش اعلام نشده است، چون مسابقات ووشو ندارد ما نمی‌توانیم برنامه‌ریزی برای اردو داشته باشیم و بعد از راه اردو برویم.

مسابقات مجازی

بابر رئیس فدراسیون ووشو درخصوص برگزاری مسابقات مجازی هم اذعان کرد. مسابقات کشوری مجازی در همه رده‌سها با دستورالعمل و این‌نامه‌ای شخصی شده بود. حدود ۷۰۰ نفر شرکت کردند. هم اکنون نیز در حال برنامه‌ریزی هستیم که در بخش گلو توونیم مسابقات مجازی را ترتیب دهیم، چون رشته انفرادی است، با اجرای یووتکل‌ها در آینده اطلاع‌رسانی خواهیم کرد تا تمامی اوزان، به همراه پنج مثال و رقابت‌های جهانی، در مجموع ۴۵ نفر دوساره در پیکراهی انتخابی ورون اردویی با هم رقابت می‌ک‌رند و بعد از آن هر کسی که انتخاب شد، عضو تیم ملی می‌شود.

تمرینات ویناری

سرمربی تیم ملی سادای کشورمان درباره ارتباط کادر فنی با تمرین برترین‌های ووشوکار ایران افزود: هم‌اکنون با همین نگران بر رقابت‌های قهرمانی کشور و نگران مثال و رقابت‌های جهانی سال گذشته به برای خوششان رقابت‌های در ارتباط هستیم و برنامه‌های تمرینی را مرور می‌کنیم. سازمان ورزش و ووشو شرایط کنونی چنین بستگی را نخواهد پذیرفت و تأکید می‌کند این تسرونت‌ت‌هایی روشن شود. بعد فرایند واگذاری انجام شود. اما از آنجا که وزارت ورزش و جوانان قرار است با تأکید ویژه رئیس‌جمهور فرایند واگذاری هر دو باشگاه را تا پایان سال انجام دهد تا پیش از فرارسیدن ۱۴۰۰، این دو باشگاه از همه‌ن‌ولت‌جا شوند و سه‌اشان در اختیار بخش خصوصی قرار گیرد، به دنبال راه‌حلی است تا بدهی‌های فعلی پرداخت نشود و از شکست رضایت دریافت شود تا فرایند واگذاری به صورتی قانونی انجام باید دید پس از انتخاب مدیرعامل جدید باشگاه استقلال چه فرمولی برای حل این مشکل پیدا خواهد شد تا استقلال‌ها شاهد عرضه بهایم خواهد بود. در برابر بورس باشند.



به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

به صورت خاص، گفتنی یا از نزدیک در ارتباط هستیم.

هنر و هنرنگر

ادب و هنر

پنجشنبه ۲۲ آبان ۱۳۹۹

۱۲ ربيع الاول ۱۴۴۲ ۱۲ نوامبر ۲۰۲۰ سال سی و سوم، شماره ۹۳۸۹



حسین احمدی فرد، روزنامه‌نگار و پژوهشگر

وظیفه خطیر ما خبر نگارها…

امروز پنجشنبه، بیست و دوم آبان ماه درست چهار سال از مرگ ابراهیم شریفزاده می‌گذرد؛ مردی که در تنهایی زیست و در تنهایی مرده استادی با دنیایی از نغمه‌های ناب در سینه که بی‌مهری‌های فراوان کج خلقت کرده بود. شریفزاده با همه استعداد هنری‌اش، با همه فهم تندش از موسیقی، با همه داستان‌ها و دوبیتی‌هایی که در سر داشت، حالا چهار سال است که کنار یار و همکار همیشگی‌اش، استاد حسین سمندری، بالای تپه بلندی در باخرز دراز کشیده است.

ابراهیم شریفزاده بیست و دوم آبان‌ماه ۹۵، در تنهایی و تنگدستی درگذشت؛ هنرمندی که مهدی اخوان‌ثالث و محمد قهرمان برایش شعر سروده بودند و برای بازاجرای یکی از آوازهایش، ارکستری در اوکراین، آهنگ ساخته بود.

با این همه، ایسن آخرین صفحه از رنج هنرمندان هنرهای آیینی نیست؛ از داشته‌های فراوان فرهنگی و هنری‌مان را مذبون آن‌ها هستیم. آن‌ها آخرین حلقه‌هایی هستند که ما را بی‌واسطه به هویت تاریخی‌مان پیوند می‌دهند. بی‌مهری ما به آن‌ها البته نماد و نمایشی از بی‌مهری ما به هویت تاریخی‌مان است و ابتدائی که حالا آرام‌آرام بساطش را بر پهنه هنر و فرهنگ ما دارد می‌گستراند، نشانه‌ای از همین بی‌ریشه شدن‌هاست. .

ابراهیم شریفزاده بیست و دوم آبان ۹۵ با تلخکامی درگذشت و همه این آه و آرمایی که در سوگ او و در نبود او، سر دادایم البته چیزی را برای او عوض نخواهد کرد؛ اما شاید بتواند شمعی بشود که شب تیره دیگر هنرمندان آیینی را روشن می‌کند. بخشی از این وظیفه خطیر حتماً بر دوش ما خبرنگارهاست. ما باید این هنر را و این گنجینه‌های هنری را به یاد جامعه بیاوریم و به جامعه بگوییم که چرا آن‌ها مهم هستند؛ بسیار مهم‌تر از بسیار کسانی که خبرهایشان همیشه در پیشانی رسانه‌هاست. هنرمندان آیینی، برگ درشتی از شناسنامه ما هستند؛ آن‌ها که نیاشدن، ما بخشی از خود تاریخی و فرهنگی‌مان را گیم خواهیم کرد و کارمان برای ساختن آینده‌وارتر خواهد شد. .

همین حالا در همین شب‌نگاهی که این سطرها را می‌نویسم، هنرمندان بسیاری هستند که در پیرانه‌سری، با تلخکامی روز و روزگار می‌گذرانند که به قول لسان‌الغیب:

از این سموم که بر طرف انجمن یگنشت

عجب که بوی گلی هست و رنگ نسترنی

چه کسی از شیرمحمد اسپندار خبر دارد؟ یا قنبر راستگو و عاشیق اسکندری؟ آخرین باری که رسانه‌ای به سراغ ناصر مسعودی رفت، کی بود؟ کسی از خبرنگاران خراسانی، فاروق کلبانی و محمد یگانه و کریم کریمی را می‌شناسد؟ کسی از آن‌ها جبار رحمتی را یادش می‌آید؟

نه اشباه نکنید. منظوم رساندن پولی به جیب خالی آن‌ها نیست که آن‌ها همه عمرشان را در سر سستی هنر گذرانده‌اند و این چار صباح دیگر را هم به همچنان؛ اما احوالپرسی ما از آن‌ها و یادآوری هنرشان به جامعه می‌تواند ما را به بخش وسیعی از گذشته‌مان پیوند بدهد و همین پیوندهاست که خود به خود هنرمندان آیینی را قدر می‌دهد و با همه فروتنی‌شان، بر صدر می‌نشاند. ابراهیم شریفزاده چهار سال است که دنیا را با همه نامهربانی‌هایش، رها کرده است، اما هنرهای آیینی و بسیاری از هنرمندان، خدا را شکر، پرشمار آن، هنوز زنده هستند. هر کدام را خبرنگارها همین حالا شماره یکی‌شان را بگیرد و با او قرار مصاحبه بگذار. ما خبرنگارها باید کمک کنیم تا جامعه قدر این زندگی‌های پر نمر را بداند.

تازه‌های نشر

داستان زوجی که مخاطب را غافلگیر می کند

صاد: کتاب عمود ۸۷۸ نوشته مریم بزرگ به تازگی منتشر شده‌است.

در دهه ۶۰سایه شوم گروهک تروریستی متناقضی بر تاریخ این سرزمین نقش خون زد. داستان عمود ۸۷۸ به قلم مریم بزرگ با پیدا شدن دفترچه روزنگاری‌های «کبر صورتگر» عضو گروهک تروریستی متناقض، آغاز می‌شود. در ادامه، با ماجرای زوجی مواجه می‌شویم که با پیوستن به این گروهک به سرنوشتی غم‌انگیز دچار شده‌اند. عمود ۸۷۸ روایتی تحسین‌برانگیز با قلمی روان و خوشخوان است. هر فصلی از داستان را زاویه دیدهای مختلف روایت می‌کنند. داستانی که از ابتدا تا انتها پشت‌پرده هر اتفاق را کنار می‌زند و مخاطب را غافلگیر می‌کند و این غافلگیری تا خط آخر روایت ادامه دارد!

اتحاد برای تغییر ساختار ظالمانه

کتاب‌سرای تندیس: رمان علمی‌تخیلی «رنسانس مرگ» نوشته ضحی کاظمی منتشر و راهی بازار نشر شده است.

این کتاب نهمین رمان بزرگسال این داستان‌نویس است که در زیرشاخه ادبیات یادارمانشهری جا می‌گیرد و بر قالب یکی از عناوین مجموعه «دبیات ژانر» این ناشر چاپ شده است.

داستان «رنسانس مرگ» هم در فضایی یادارمانشهری جریان دارد. در این داستان کشور «فانی» وجود دارد که اهالی‌اش براساس طول عمر یک ابررایانه کوانتومی پیش‌بینی‌کننده، طبقه‌بندی می‌شوند. ساز و کار زندگی و حکومتی که در این کشور وجود دارد، موجب شده عدای از مردم مورد ظلم و تبعیض قرار بگیرند و در نتیجه سعی کنند برای مبارزه و تغییر ساختار ظالمانه‌ای که زندگی‌شان را سخت کرده، با هم متحد شوند.

این کتاب با ۲۸۴ صفحه و قیمت ۶۵هزار تومان منتشر شده است.

انتشار «جایزه‌های خدا» ویژه نوجوانان مؤسسه فرهنگی هنری فیدرولایت:

«جایزه‌های خدا» نوشته علی شعبی با گرافیک و طراحی امیر خلیلی‌فرد برای گروه سنی نوجوانان به تازگی منتشر شده است.

کتاب «جایزه‌های خدا» سعی کرده با بیان پاداش کارهای خوب و آشنا کردن نوجوانان با ثواب آن کارها، توجه آنان را به روح زیبای کار خوب و پاکیزه جلب کند و تأثیر دنیایی و اخرتی کارهای خوب را به نوجوانان نشان دهد.

بسا انتخاب این کتاب، نوجوانان خود را هنرمندانه با زیبایی‌ها و لذت کارهای خوب آشنا و مشتاق انجام آن‌ها نمایند. کتاب در ۱۱۰ صفحه با قیمت ۲۰ هزارتومان منتشر و درسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است.

گفت‌وگو با مسلم کرمانی در سالروز در گذشت خواننده صاحب سبک موسیقی مقامی

اذان گویی در حرم مطهر رضوی، آرزوی استاد «شریف‌زاده» بود



ادب و هنر/ خدیجه زمانیان؛ چهارسال پیش در چنین روزی استاد محمدابراهیم شریفزاده؛ خواننده‌ای صاحب سبک در موسیقی مقامی شرق خراسان به رحمت خدا رفت. از ابراهیم شریفزاده دو آلبوم «خون‌پاش و نغمه‌ریز» و «سرو خرامان» منتشر شده است. علاوه بر این، انبوهی آوازخوانی از ایسن هنرمند به جا مانده که عمدتاً با دوتارنوازی استاد مرحوم حسین سمندری همراه است. آوازهایی که جایی ثبت نشده و اگرچه با تاریخ این سرزمین پیوند خورده‌اند،اما به دلیل عدم حمایت و بی‌مهری با هنرمندش، در دل خاک دفن شد. مجالی دست داد در سالروز درگذشت این هنرمند با مستندسازی که مستند بلند ۵۸۴دقیقه‌ای درباره محمدابراهیم شریفزاده ساخته است، صحبت کنیم.

مسلم کرمانی، مستندساز جوان مشهدی است. او انبوهی مستند با موضوعات مختلف ساخته، اما خودش می‌گوید هیچ کدامشان را به اندازه مستند «آقا شریفزاده» دوست ندارد.

این مستند حاصل دو سال زندگی او با این هنرمند است. نام فیلمش برگرفته از عبارت شاعر بزرگ مهدی اخوان‌ثالث در شعری بود که برای استاد حسین سمندری دوتارنواز بزرگ خراسانی گفته بود و در آن شعر اشاراتی به صدای استاد شریفزاده هم کرده بود.

گفت‌وگویی ما را با این مستندساز درباره هنر، زندگی و شخصیت محمدابراهیم شریفزاده بخوانید.

به منظومه‌ای یک‌هزارو ۲۰۰ بیتی که در گذشته خوانندگان خراسانی در عروسی‌هایشان آن را به صورت پاسکاری می‌خوانده‌اند و آقای شریفزاده تنها کسی بود که بیشتر از ۱۰۰ بیت آن را حفظ بود و به تنهایی ارائه داد.

استاد شریفزاده در موسیقی نوآوری داشت و این تفاوت او و سایرین بود. موسیقی او حاسی بود، مثلاً «سرو خرامان» را که بشنودید احساس می‌کنید داستان‌های شاهنامه روایت می‌شود. روایت‌های پدران و مادران ما در ترانه‌هایی که او زمزمه می‌کرد، شنیده می‌شود. در آثارش به اصالت، هویت و تاریخ خراسان وفادار بود و با هوش، ذکاوت، مطالعه و درک عمیقی که از ادبیات داشت، توانسته بود دست به نوآوری‌های بی‌نظیری بزند، یعنی هم به تاریخ وفادار باشد و هم ترکیب جدیدی ارائه داده بود و از این حیث صدای او کاملاً متفاوت بود. .

در مورد تولید دو آلبوم «سرو خرامان» و «خون‌پاش

» آقا شریف زاده» هم مؤذن بود و هم مداح

♦ گفتید نخستین ضبط شما از صدای استاد شریفزاده، اذان گویی ایشان بوده است. در مورد ویژگی اذان گویی‌اش توضیح دهید.

بله. آقای شریفزاده هم مؤذن و هم خواننده، هم مرده‌شور و هم مداح بود. او آثانی داشت به نام «اذان هزارگی» که در آستانه ثبت یونسکو بود و نمی‌دانم چرا پیگیری نشد. با اینکه سازمان‌هایی مانند اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات و اداره اوقاف برای این مسائل بودجه می‌گیرند و باید این افراد را شناسایی، حمایت و معرفی کنند، اما بر این وجوه شخصیتی آقای شریفزاده سرمایه‌گذاری نشد. به هر حال این نهاده‌اگر با موسیقی او مشکل داشتند،اما از اذان گویی و مداحی او هم حمایتی نکردند و آن را به مردم سرزمین ما معرفی نکردند و برای همیشه هنر او با خودش دفن شد. اذان استاد «مؤذن‌زاده اردبیلی» که اذان معروفی است، در دستگاه بیات ترک خوانده می‌شود، ولی اذان آقای شریفزاده ترکیبی از دستگاه‌های موسیقی و موسیقی محلی و نواحی ایران بود که با نوآوری و خلاقیت در منطقه‌ای که زیسته همراه بود و اذان او به همین دلیل استثنایی بود. اذان او ثبت نشد حتی صدای اذان‌گویی او هم ضبط نشد تا دوستان آرشوی از صدای او داشته باشند!

♦ مداحی آقای شریفزاده چطور بود؟

نخستین ضبط مداحی ایشان مربوط به شب تاسوعا بود. من می‌دانستم او برای ضبط مداح‌اش همکاری نمی‌کند و برای همین رفته داخل مسجد و دوربین را کار گذاشتم

استاد به مسجد آمد و از کنار جمعیت خودش را به میکروفون رساند. پالتویی روی شانه‌اش انداخته بود. او با صدای بلند خواند: «علمدار سپاهم ای برادر، شهید بی‌گناهم ای برادر»

مداحی ویژه‌ای داشت، مداحی او ترکیبی از موسیقی دستگاهی و موسیقی مقامی بود. خلاقیت‌هایی که استاد در آوازش داشت، سنت‌ها و اصالتی که قرار بود در مداحی حفظ شود، حفظ شده بود. به همین ترتیب من شروع به جست‌وجو در او کردم. من متوجه شدم باید این کار را ادامه دهم و کسی

از من حمایت نمی‌کند، چون در مقابل تاریخ پاسخگو هستم و باید کاری می‌کردم تا در مورد میراثی که او در جانش داشت، دستمان در برابر آیندگان خالی نیاشد. به کار ادامه دادم و حاصل نشست‌ها و گفت‌وگوها ۱۰۰ ساعت فیلم شد.

♦ گفتید نخستین ضبط شما از صدای استاد شریفزاده، اذان گویی ایشان بوده است. در مورد ویژگی اذان گویی‌اش توضیح دهید.

بله. آقای شریفزاده هم مؤذن و هم خواننده، هم مرده‌شور و هم مداح بود. او آثانی داشت به نام «اذان هزارگی» که در آستانه ثبت یونسکو بود و نمی‌دانم چرا پیگیری نشد. با اینکه سازمان‌هایی مانند اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات و اداره اوقاف برای این مسائل بودجه می‌گیرند و باید این افراد را شناسایی، حمایت و معرفی کنند، اما بر این وجوه شخصیتی آقای شریفزاده سرمایه‌گذاری نشد. به هر حال این نهاده‌اگر با موسیقی او مشکل داشتند،اما از اذان گویی و مداحی او هم حمایتی نکردند و آن را به مردم سرزمین ما معرفی نکردند

و برای همیشه هنر او با خودش دفن شد. اذان استاد «مؤذن‌زاده اردبیلی» که اذان معروفی است، در دستگاه بیات ترک خوانده می‌شود، ولی اذان آقای شریفزاده ترکیبی از دستگاه‌های موسیقی و موسیقی محلی و نواحی ایران بود که با نوآوری و خلاقیت در منطقه‌ای که زیسته همراه بود و اذان او به همین دلیل استثنایی بود. اذان او ثبت نشد حتی صدای اذان‌گویی او هم ضبط نشد تا دوستان آرشوی از صدای او داشته باشند!

♦ مداحی آقای شریفزاده چطور بود؟

نخستین ضبط مداحی ایشان مربوط به شب تاسوعا بود. من می‌دانستم او برای ضبط مداح‌اش همکاری نمی‌کند و برای همین رفته داخل مسجد و دوربین را کار گذاشتم

استاد به مسجد آمد و از کنار جمعیت خودش را به میکروفون رساند. پالتویی روی شانه‌اش انداخته بود. او با صدای بلند خواند: «علمدار سپاهم ای برادر، شهید بی‌گناهم ای برادر»

مداحی ویژه‌ای داشت، مداحی او ترکیبی از موسیقی دستگاهی و موسیقی مقامی بود. خلاقیت‌هایی که استاد در آوازش داشت، سنت‌ها و اصالتی که قرار بود در مداحی حفظ شود، حفظ شده بود. به همین ترتیب من شروع به جست‌وجو در او کردم. من متوجه شدم باید این کار را ادامه دهم و کسی

از من حمایت نمی‌کند، چون در مقابل تاریخ پاسخگو هستم و باید کاری می‌کردم تا در مورد میراثی که او در جانش داشت، دستمان در برابر آیندگان خالی نیاشد. به کار ادامه دادم و حاصل نشست‌ها و گفت‌وگوها ۱۰۰ ساعت فیلم شد.

♦ گفتید نخستین ضبط شما از صدای استاد شریفزاده، اذان گویی ایشان بوده است. در مورد ویژگی اذان گویی‌اش توضیح دهید.

بله. آقای شریفزاده هم مؤذن و هم خواننده، هم مرده‌شور و هم مداح بود. او آثانی داشت به نام «اذان هزارگی» که در آستانه ثبت یونسکو بود و نمی‌دانم چرا پیگیری نشد. با اینکه سازمان‌هایی مانند اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات و اداره اوقاف برای این مسائل بودجه می‌گیرند و باید این افراد را شناسایی، حمایت و معرفی کنند، اما بر این وجوه شخصیتی آقای شریفزاده سرمایه‌گذاری نشد. به هر حال این نهاده‌اگر با موسیقی او مشکل داشتند،اما از اذان گویی و مداحی او هم حمایتی نکردند و آن را به مردم سرزمین ما معرفی نکردند

و برای همیشه هنر او با خودش دفن شد. اذان استاد «مؤذن‌زاده اردبیلی» که اذان معروفی است، در دستگاه بیات ترک خوانده می‌شود، ولی اذان آقای شریفزاده ترکیبی از دستگاه‌های موسیقی و موسیقی محلی و نواحی ایران بود که با نوآوری و خلاقیت در منطقه‌ای که زیسته همراه بود و اذان او به همین دلیل استثنایی بود. اذان او ثبت نشد حتی صدای اذان‌گویی او هم ضبط نشد تا دوستان آرشوی از صدای او داشته باشند!

♦ مداحی آقای شریفزاده چطور بود؟

نخستین ضبط مداحی ایشان مربوط به شب تاسوعا بود. من می‌دانستم او برای ضبط مداح‌اش همکاری نمی‌کند و برای همین رفته داخل مسجد و دوربین را کار گذاشتم

استاد به مسجد آمد و از کنار جمعیت خودش را به میکروفون رساند. پالتویی روی شانه‌اش انداخته بود. او با صدای بلند خواند: «علمدار سپاهم ای برادر، شهید بی‌گناهم ای برادر»

مداحی ویژه‌ای داشت، مداحی او ترکیبی از موسیقی دستگاهی و موسیقی مقامی بود. خلاقیت‌هایی که استاد در آوازش داشت، سنت‌ها و اصالتی که قرار بود در مداحی حفظ شود، حفظ شده بود. به همین ترتیب من شروع به جست‌وجو در او کردم. من متوجه شدم باید این کار را ادامه دهم و کسی

از من حمایت نمی‌کند، چون در مقابل تاریخ پاسخگو هستم و باید کاری می‌کردم تا در مورد میراثی که او در جانش داشت، دستمان در برابر آیندگان خالی نیاشد. به کار ادامه دادم و حاصل نشست‌ها و گفت‌وگوها ۱۰۰ ساعت فیلم شد.

♦ گفتید نخستین ضبط شما از صدای استاد شریفزاده، اذان گویی ایشان بوده است. در مورد ویژگی اذان گویی‌اش توضیح دهید.

بله. آقای شریفزاده هم مؤذن و هم خواننده، هم مرده‌شور و هم مداح بود. او آثانی داشت به نام «اذان هزارگی» که در آستانه ثبت یونسکو بود و نمی‌دانم چرا پیگیری نشد. با اینکه سازمان‌هایی مانند اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات و اداره اوقاف برای این مسائل بودجه می‌گیرند و باید این افراد را شناسایی، حمایت و معرفی کنند، اما بر این وجوه شخصیتی آقای شریفزاده سرمایه‌گذاری نشد. به هر حال این نهاده‌اگر با موسیقی او مشکل داشتند،اما از اذان گویی و مداحی او هم حمایتی نکردند و آن را به مردم سرزمین ما معرفی نکردند

و برای همیشه هنر او با خودش دفن شد. اذان استاد «مؤذن‌زاده اردبیلی» که اذان معروفی است، در دستگاه بیات ترک خوانده می‌شود، ولی اذان آقای شریفزاده ترکیبی از دستگاه‌های موسیقی و موسیقی محلی و نواحی ایران بود که با نوآوری و خلاقیت در منطقه‌ای که زیسته همراه بود و اذان او به همین دلیل استثنایی بود. اذان او ثبت نشد حتی صدای اذان‌گویی او هم ضبط نشد تا دوستان آرشوی از صدای او داشته باشند!

♦ مداحی آقای شریفزاده چطور بود؟

نخستین ضبط مداحی ایشان مربوط به شب تاسوعا بود. من می‌دانستم او برای ضبط مداح‌اش همکاری نمی‌کند و برای همین رفته داخل مسجد و دوربین را کار گذاشتم

استاد به مسجد آمد و از کنار جمعیت خودش را به میکروفون رساند. پالتویی روی شانه‌اش انداخته بود. او با صدای بلند خواند: «علمدار سپاهم ای برادر، شهید بی‌گناهم ای برادر»

مداحی ویژه‌ای داشت، مداحی او ترکیبی از موسیقی دستگاهی و موسیقی مقامی بود. خلاقیت‌هایی که استاد در آوازش داشت، سنت‌ها و اصالتی که قرار بود در مداحی حفظ شود، حفظ شده بود. به همین ترتیب من شروع به جست‌وجو در او کردم. من متوجه شدم باید این کار را ادامه دهم و کسی

از من حمایت نمی‌کند، چون در مقابل تاریخ پاسخگو هستم و باید کاری می‌کردم تا در مورد میراثی که او در جانش داشت، دستمان در برابر آیندگان خالی نیاشد. به کار ادامه دادم و حاصل نشست‌ها و گفت‌وگوها ۱۰۰ ساعت فیلم شد.

♦ گفتید نخستین ضبط شما از صدای استاد شریفزاده، اذان گویی ایشان بوده است. در مورد ویژگی اذان گویی‌اش توضیح دهید.

بله. آقای شریفزاده هم مؤذن و هم خواننده، هم مرده‌شور و هم مداح بود. او آثانی داشت به نام «اذان هزارگی» که در آستانه ثبت یونسکو بود و نمی‌دانم چرا پیگیری نشد. با اینکه سازمان‌هایی مانند اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات و اداره اوقاف برای این مسائل بودجه می‌گیرند و باید این افراد را شناسایی، حمایت و معرفی کنند، اما بر این وجوه شخصیتی آقای شریفزاده سرمایه‌گذاری نشد. به هر حال این نهاده‌اگر با موسیقی او مشکل داشتند،اما از اذان گویی و مداحی او هم حمایتی نکردند و آن را به مردم سرزمین ما معرفی نکردند

و برای همیشه هنر او با خودش دفن شد. اذان استاد «مؤذن‌زاده اردبیلی» که اذان معروفی است، در دستگاه بیات ترک خوانده می‌شود، ولی اذان آقای شریفزاده ترکیبی از دستگاه‌های موسیقی و موسیقی محلی و نواحی ایران بود که با نوآوری و خلاقیت در منطقه‌ای که زیسته همراه بود و اذان او به همین دلیل استثنایی بود. اذان او ثبت نشد حتی صدای اذان‌گویی او هم ضبط نشد تا دوستان آرشوی از صدای او داشته باشند!

♦ مداحی آقای شریفزاده چطور بود؟

نخستین ضبط مداحی ایشان مربوط به شب تاسوعا بود. من می‌دانستم او برای ضبط مداح‌اش همکاری نمی‌کند و برای همین رفته داخل مسجد و دوربین را کار گذاشتم

استاد به مسجد آمد و از کنار جمعیت خودش را به میکروفون رساند. پالتویی روی شانه‌اش انداخته بود. او با صدای بلند خواند: «علمدار سپاهم ای برادر، شهید بی‌گناهم ای برادر»

مداحی ویژه‌ای داشت، مداحی او ترکیبی از موسیقی دستگاهی و موسیقی مقامی بود. خلاقیت‌هایی که استاد در آوازش داشت، سنت‌ها و اصالتی که قرار بود در مداحی حفظ شود، حفظ شده بود. به همین ترتیب من شروع به جست‌وجو در او کردم. من متوجه شدم باید این کار را ادامه دهم و کسی

از من حمایت نمی‌کند، چون در مقابل تاریخ پاسخگو هستم و باید کاری می‌کردم تا در مورد میراثی که او در جانش داشت، دستمان در برابر آیندگان خالی نیاشد. به کار ادامه دادم و حاصل نشست‌ها و گفت‌وگوها ۱۰۰ ساعت فیلم شد.

♦ گفتید نخستین ضبط شما از صدای استاد شریفزاده، اذان گویی ایشان بوده است. در مورد ویژگی اذان گویی‌اش توضیح دهید.

بله. آقای شریفزاده هم مؤذن و هم خواننده، هم مرده‌شور و هم مداح بود. او آثانی داشت به نام «اذان هزارگی» که در آستانه ثبت یونسکو بود و نمی‌دانم چرا پیگیری نشد. با اینکه سازمان‌هایی مانند اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات و اداره اوقاف برای این مسائل بودجه می‌گیرند و باید این افراد را شناسایی، حمایت و معرفی کنند، اما بر این وجوه شخصیتی آقای شریفزاده سرمایه‌گذاری نشد. به هر حال این نهاده‌اگر با موسیقی او مشکل داشتند،اما از اذان گویی و مداحی او هم حمایتی نکردند و آن را به مردم سرزمین ما معرفی نکردند

و برای همیشه هنر او با خودش دفن شد. اذان استاد «مؤذن‌زاده اردبیلی» که اذان معروفی است، در دستگاه بیات ترک خوانده می‌شود، ولی اذان آقای شریفزاده ترکیبی از دستگاه‌های موسیقی و موسیقی محلی و نواحی ایران بود که با نوآوری و خلاقیت در منطقه‌ای که زیسته همراه بود و اذان او به همین دلیل استثنایی بود. اذان او ثبت نشد حتی صدای اذان‌گویی او هم ضبط نشد تا دوستان آرشوی از صدای او داشته باشند!

♦ مداحی آقای شریفزاده چطور بود؟

نخستین ضبط مداحی ایشان مربوط به شب تاسوعا بود. من می‌دانستم او برای ضبط مداح‌اش همکاری نمی‌کند و برای همین رفته داخل مسجد و دوربین را کار گذاشتم

استاد به مسجد آمد و از کنار جمعیت خودش را به میکروفون رساند. پالتویی روی شانه‌اش انداخته بود. او با صدای بلند خواند: «علمدار سپاهم ای برادر، شهید بی‌گناهم ای برادر»

مداحی ویژه‌ای داشت، مداحی او ترکیبی از موسیقی دستگاهی و موسیقی مقامی بود. خلاقیت‌هایی که استاد در آوازش داشت، سنت‌ها و اصالتی که قرار بود در مداحی حفظ شود، حفظ شده بود. به همین ترتیب من شروع به جست‌وجو در او کردم. من متوجه شدم باید این کار را ادامه دهم و کسی

از من حمایت نمی‌کند، چون در مقابل تاریخ پاسخگو هستم و باید کاری می‌کردم تا در مورد میراثی که او در جانش داشت، دستمان در برابر آیندگان خالی نیاشد. به کار ادامه دادم و حاصل نشست‌ها و گفت‌وگوها ۱۰۰ ساعت فیلم شد.

♦ گفتید نخستین ضبط شما از صدای استاد شریفزاده، اذان گویی ایشان بوده است. در مورد ویژگی اذان گویی‌اش توضیح دهید.

بله. آقای شریفزاده هم مؤذن و هم خواننده، هم مرده‌شور و هم مداح بود. او آثانی داشت به نام «اذان هزارگی» که در آستانه ثبت یونسکو بود و نمی‌دانم چرا پیگیری نشد. با اینکه سازمان‌هایی مانند اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات و اداره اوقاف برای این مسائل بودجه می‌گیرند و باید این افراد را شناسایی، حمایت و معرفی کنند، اما بر این وجوه شخصیتی آقای شریفزاده سرمایه‌گذاری نشد. به هر حال این نهاده‌اگر با موسیقی او مشکل داشتند،اما از اذان گویی و مداحی او هم حمایتی نکردند و آن را به مردم سرزمین ما معرفی نکردند

و برای همیشه هنر او با خودش دفن شد. اذان استاد «مؤذن‌زاده اردبیلی» که اذان معروفی است، در دستگاه بیات ترک خوانده می‌شود، ولی اذان آقای شریفزاده ترکیبی از دستگاه‌های موسیقی و موسیقی محلی و نواحی ایران بود که با نوآوری و خلاقیت در منطقه‌ای که زیسته همراه بود و اذان او به همین دلیل استثنایی بود. اذان او ثبت نشد حتی صدای اذان‌گویی او هم ضبط نشد تا دوستان آرشوی از صدای او داشته باشند!

♦ مداحی آقای شریفزاده چطور بود؟

نخستین ضبط مداحی ایشان مربوط به شب تاسوعا بود. من می‌دانستم او برای ضبط مداح‌اش همکاری نمی‌کند و برای همین رفته داخل مسجد و دوربین را کار گذاشتم

استاد به مسجد آمد و از کنار جمعیت خودش را به میکروفون رساند. پالتویی روی شانه‌اش انداخته بود. او با صدای بلند خواند: «علمدار سپاهم ای برادر، شهید بی‌گناهم ای برادر»

مداحی ویژه‌ای داشت، مداحی او ترکیبی از موسیقی دستگاهی و موسیقی مقامی بود. خلاقیت‌هایی که استاد در آوازش داشت، سنت‌ها و اصالتی که قرار بود در مداحی حفظ شود، حفظ شده بود. به همین ترتیب من شروع به جست‌وجو در او کردم. من متوجه شدم باید این کار را ادامه دهم و کسی

از من حمایت نمی‌کند، چون در مقابل تاریخ پاسخگو هستم و باید کاری می‌کردم تا در مورد میراثی که او در جانش داشت، دستمان در برابر آیندگان خالی نیاشد. به کار ادامه دادم و حاصل نشست‌ها و گفت‌وگوها ۱۰۰ ساعت فیلم شد.

♦ گفتید نخستین ضبط شما از صدای استاد شریفزاده، اذان گویی ایشان بوده است. در مورد ویژگی اذان گویی‌اش توضیح دهید.

بله. آقای شریفزاده هم مؤذن و هم خواننده، هم مرده‌شور و هم مداح بود. او آثانی داشت به نام «اذان هزارگی» که در آستانه ثبت یونسکو بود و نمی‌دانم چرا پیگیری نشد. با اینکه سازمان‌هایی مانند اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات و اداره اوقاف برای این مسائل بودجه می‌گیرند و باید این افراد را شناسایی، حمایت و معرفی کنند، اما بر این وجوه شخصیتی آقای شریفزاده سرمایه‌گذاری نشد. به هر حال این نهاده‌اگر با موسیقی او مشکل داشتند،اما از اذان گویی و مداحی او هم حمایتی نکردند و آن را به مردم سرزمین ما معرفی نکردند

و برای همیشه هنر او با خودش دفن شد. اذان استاد «مؤذن‌زاده اردبیلی» که اذان معروفی است، در دستگاه بیات ترک خوانده می‌شود، ولی اذان آقای شریفزاده ترکیبی از دستگاه‌های موسیقی و موسیقی محلی و نواحی ایران بود که با نوآوری و خلاقیت در منطقه‌ای که زیسته همراه بود و اذان او به همین دلیل استثنایی بود. اذان او ثبت نشد حتی صدای اذان‌گویی او هم ضبط نشد تا دوستان آرشوی از صدای او داشته باشند!

♦ مداحی آقای شریفزاده چطور بود؟

نخستین ضبط مداحی ایشان مربوط به شب تاسوعا بود. من می‌دانستم او برای ضبط مداح‌اش همکاری نمی‌کند و برای همین رفته داخل مسجد و دوربین را کار گذاشتم

استاد به مسجد آمد و از کنار جمعیت خودش را به میکروفون رساند. پالتویی روی شانه‌اش انداخته بود. او با صدای بلند خواند: «علمدار سپاهم ای برادر، شهید بی‌گناهم ای برادر»

مداحی ویژه‌ای داشت، مداحی او ترکیبی از موسیقی دستگاهی و موسیقی مقامی بود. خلاقیت‌هایی که استاد در آوازش داشت، سنت‌ها و اصالتی که قرار بود در مداحی حفظ شود، حفظ شده بود. به همین ترتیب من شروع به جست‌وجو در او کردم. من متوجه شدم باید این کار را ادامه دهم و کسی

از من حمایت نمی‌کند، چون در مقابل تاریخ پاسخگو هستم و باید کاری می‌کردم تا در مورد میراثی که او در جانش داشت، دستمان در برابر آیندگان خالی نیاشد. به کار ادامه دادم و حاصل نشست‌ها و گفت‌وگوها ۱۰۰ ساعت فیلم شد.

♦ گفتید نخستین ضبط شما از صدای استاد شریفزاده، اذان گویی ایشان بوده است. در مورد ویژگی اذان گویی‌اش توضیح دهید.

بله. آقای شریفزاده هم مؤذن و هم خواننده، هم مرده‌شور و هم مداح بود. او آثانی داشت به نام «اذان هزارگی» که در آستانه ثبت یونسکو بود و نمی‌دانم چرا پیگیری نشد. با اینکه سازمان‌هایی مانند اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات و اداره اوقاف برای این مسائل بودجه می‌گیرند و باید این افراد را شناسایی، حمایت و معرفی کنند، اما بر این وجوه شخصیتی آقای شریفزاده سرمایه‌گذاری نشد. به هر حال این نهاده‌اگر با موسیقی او مشکل داشتند،اما از اذان گویی و مداحی او هم حمایتی نکردند و آن را به مردم سرزمین ما معرفی نکردند

و برای همیشه هنر او با خودش دفن شد. اذان استاد «مؤذن‌زاده اردبیلی» که اذان معروفی است، در دستگاه بیات ترک خوانده می‌شود، ولی اذان آقای شریفزاده ترکیبی از دستگاه‌های موسیقی و موسیقی محلی و نواحی ایران بود که با نوآوری و خلاقیت در منطقه‌ای که زیسته همراه بود و اذان او به همین دلیل استثنایی بود. اذان او ثبت نشد حتی صدای اذان‌گویی او هم ضبط نشد تا دوستان آرشوی از صدای او داشته باشند!

♦ مداحی آقای شریفزاده چطور بود؟

نخستین ضبط مداحی ایشان مربوط به شب تاسوعا بود. من می‌دانستم او برای ضبط مداح‌اش همکاری نمی‌کند و برای همین رفته داخل مسجد و دوربین را کار گذاشتم

استاد به مسجد آمد و از کنار جمعیت خودش را به میکروفون رساند. پالتویی روی شانه‌اش انداخته بود. او با صدای بلند خواند: «علمدار سپاهم ای برادر، شهید بی‌گناهم ای برادر»

مداحی ویژه‌ای داشت، مداحی او ترکیبی از موسیقی دستگاهی و موسیقی مقامی بود. خلاقیت‌هایی که استاد در آوازش داشت، سنت‌ها و اصالتی که قرار بود در مداحی حفظ شود، حفظ شده بود. به همین ترتیب من شروع به جست‌وجو در او کردم. من متوجه شدم باید این کار را ادامه دهم و کسی

از من حمایت نمی‌کند، چون در مقابل تاریخ پاسخگو هستم و باید کاری می‌کردم تا در مورد میراثی که او در جانش داشت، دستمان در برابر آیندگان خالی نیاشد. به کار ادامه دادم و حاصل نشست‌ها و گفت‌وگوها ۱۰۰ ساعت فیلم شد.

♦ گفتید نخستین ضبط شما از صدای استاد شریفزاده، اذان گویی ایشان بوده است. در مورد ویژگی اذان گویی‌اش توضیح دهید.

بله. آقای شریفزاده هم مؤذن و هم خواننده، هم مرده‌شور و هم مداح بود. او آثانی داشت به نام «اذان هزارگی» که در آستانه ثبت یونسکو بود و نمی‌دانم چرا پیگیری نشد. با اینکه سازمان‌هایی مانند اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات و اداره اوقاف برای این مسائل بودجه می‌گیرند و باید این افراد را شناسایی، حمایت و معرفی کنند، اما بر این وجوه شخصیتی آقای شریفزاده سرمایه‌گذاری نشد. به هر حال این نهاده‌اگر با موسیقی او مشکل داشتند،اما از اذان گویی و مداحی او هم حمایتی نکردند و آن را به مردم سرزمین ما معرفی نکردند